



۲۰۲۰/۰۳/۲۶

عارف عباسی

بادار ناراض رفت!

تهدید شدیداللعن، اهانت بار و زور گویانه وزیر خارجه امریکا Mike Pompeo توأم با اظهار یأس و بدخوبی بدار منشانه اش مبنی بر قطع کمک های بشری و امنیتی به افغانستان، خلاف جمیع تعهدات شراکت ستراتیجیک امریکا با افغانستان بوده تحقیر و بی حرمتی علنی به مردم افغانستان است. در واقعیت موافقه نکردن اشرف غنی و عبدالله به تشکیل یک نظام آزمون شده هر دو شمول (نه همه شمول) بهانه جویی برای تطبیق طرح های دیگری و در عین حال مظهر واماندگی و در ماندگی خاص امریکا است:

* با تجارب چهار ساله از حکومت دونالد ترامپ آموختیم که پایداری در اتخاذ تصامیم وجود نداشته، یک سیاست بی ثبات و متلون المزاج گونه متداول است. امروز تصمیم گرفته شده و فردا تغییر کرده و یا در بسی مواقع رئیس جمهور نظر همکاران، وزراء و مشاورین بلند پایه خود را رد نموده. * این تهدید به اصطلاح ما مردم، بچه ترسانی برای تحمیل فشار جهت حصول مقصد دیگری است. چه مساعی خلیل زاد در ایجاد توافق عمل و نظر بین عبدالله و اشرف غنی بی ثمر ماند لذا به قدرت مقام بالاتر به حیث آخرین وسیله فشار متوسل شدند.

* به زعم این که تهدید قطع کمک ها از یک طرف دو جانب متنازع فیه را به یک توافق سمبولیک وادارد و از جانبی اشرف غنی به رهایی پنجهزار محبوس طالب بدون قید و شرط در یک روز موافقه کند.

* احتمالاً کنار نیامدن عبدالله و اشرف غنی در حقیقت بهانه ای باشد برای زوال این نظام و زمینه سازی برای آمدن طالب در صحنه.

ورنه امریکا پارلمانی دارد که اکثریت کرسی ها را در شورای ملی حزب مخالف کسب نموده. در اتخاذ تصامیم نمایندگان مردم و مطبوعات آزاد نقش سازنده و برانزده دارد. قطع کمک به افغانستان به معنی رها نمودن افغانستان در نیمه راه بوده نمودار عقب نشینی سیاسی امریکا در جنوب آسیا است که زمینه

بهره برداری رقبای سیاسی و قدرت های منطقی را مساعد می گرداند و این خود ضربه بزرگ سیاسی برای ترمپ در انتخابات ماه نومبر امسال است.

حلقهات سیاسی امریکا اجازه نخواهند داد که امریکا خون ریخته شده فرزندان خود و مصرف تریلیون دالر را در راه کسب جای پا و افتخاراتی در افغانستان که نظام ساختیم، دیموکراسی آوردیم حقوق مدنی زنان را اعاده کردیم و مطبوعات آزاد را مروج ساختیم فدای یک تصمیم عجولانه غرض تطبیق تعهدات خود با طالبان نمایند.

ولی در کل این عاقبت وابستگی کامل یک کشور اشغال شده دست نگر است به یک قدرت خارجی، که مردمش در بیست سال راه خود گم کرده و سر خود بر زانوی بیگانه مانده و نوکران و چاکران اجنبی را رهبر خود ساختند و حاکمیت خود را بر خانه خود فدای خواسته های خود فروختگان ساختند. و امروز روزی رسان دنیوی برای شان می گوید که اگر دستور من نپذیرید روزی تان را قطع می کنم و طالبان را فرمانروای تان می سازم.



هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.